

دبیرکل حزب اتحاد ملت:

فاصله گذاری اجتماعی یا فیزیکی دستورالعمل اصلی است



● دبیرکل حزب اتحاد ملت ایران اسلامی در توییتهی به موضوع کرونا و فاصله‌گذاری اجتماعی پرداخت. علی شکیروی‌راد که پزشک نیز هست، در این توییت نوشت: «فاصله‌گذاری اجتماعی یا فیزیکی دستورالعمل اصلی است اما همه‌جا قابل اجرا نیست. در چنین شرایطی زدن ماسک و شستن یا ضدعفونی کردن دست‌ها پس از تماس با سطوح غیرمطمئن مخصوص در جاهای شلوغ می‌تواند نگرانی از ابتلا به کرونا را تا حد زیادی کاهش بدهد. آموزش‌های عمومی باید به این سمت سوق داده شود.»

همچنین حزب اتحاد ملت ایران اسلامی نیز با صدور بیانیه‌ای درباره بحران کرونا، ضمن توصیف شرایط موجود از دیدگاه خود و درد مشترک جهانی خواندن آن، نکاتی را با ملت و دولت در میان گذاشت. بخش‌هایی از این بیانیه به صورت تیتروار در ادامه می‌آید:

«بحران جهانی ویروس کرونا که ایران عزیز ما را نیز دربرنموده، جزء تا کل زندگی فردی و اجتماعی و حکومت را تحت‌تأثیر قرار داده است.

۷۹٪ جهان در ابتدای این ابربحران قرار دارد و چشم‌انداز کوتاه‌مدتی از پایان آن متصور نیست.

«دست‌کم در پیدایش دو ضعف اقتصادی و سرمایه اجتماعی پاین که بر مدیریت شرایط سخت فعلی مؤثرند، بیش از هر چیز «از ماست که بر ماست».

«در ابتدای بحران، تسلط و هماهنگی لازم در اتخاذ تصمیمات مدیریتی برای کنترل بحران، به کندی صورت گرفت.

«ناشناختگی این بحران و نظریه‌های مختلف و آزمون‌نشده، در تأخیر و تزلزل تصمیم‌گیری‌ها بی‌تأثیر نبود.

«با درک سختی تصمیم‌گیری در شرایط علم به ناکاها، باید گفت هرقدرد وسواس و شک در مرحله تصمیم‌گیری رواست، در مرحله اجرا نیاز به صلابت و جدیت است.

«مدیریت بحران، هرچه به جلو آمد بهتر شد.

«راه‌اندازی برخی کسب‌وکارها، نیازمند رعایت دقیق و سخت‌گیرانه پروتکل‌های بهداشتی و به‌حداقل رساندن ریسک آن است.

«ما به‌شدت نیازمند اعتماد و جامعه مدنی قوی و مؤثری هستیم که حلقه واسط دولت و مردم باشد، هم به لحاظ تاب‌آوری، هم آگاهی‌بخشی و هم بسیج‌کنندگی.

«رویکرد اقتدارگر، در بهترین شرایط استیلا شاید بتواند روند‌ها را کنترل کند، اما رویدادهای زیادی هستند که خارج از کنترل قدرت رخ خواهند داد. برای اغلب آن شرایط، اعتماد است که کار می‌کند و نه اقتدار.

«عوارض ناشی از بی‌کاری قشری وسیع از مردم، افسردگی‌های مزمن، افزایش خشونت‌های خانگی و به‌خصوص علیه زنان، و فقیرترشدن اقشار محروم، از جمله عوارضی است که باید باپه‌ای مدیریت بهداشتی و درمانی کرونا، مورد توجه نه فقط حاکمیت که جامعه مدنی و احاد مردم قرار گیرد.

«نباید همبستگی جهانی را با عینک بدبینی لکه‌دار کرد.

«رخ‌داد مسائلی چون آنچه با پزشکان بدون مرز شد، قطعاً مورد تأیید اکثریت مردم ایران نیست.

«دوگانگی در مدیریت اقتصادی کشور باید با تقید به قانون اساسی و ت‌دادن به نظارت همگانی طبق اصل ۴۴ قانون اساسی که اقتصاد کشور را تنها در سه بخش دولتی و خصوصی و تعاونی تعریف کرده است، و نیز در اصل ۵۳ که فقط یک خزانه‌داری برای اداره کشور پیش‌بینی شده است، حل‌وفصل گردد. «صدواسیمه، با تبعیت محض از کارشناسان متخصص این حوزه، از انتشار رپرتاژ آگهی‌های اعتمادسوز پرهیزد.

«این بحران، باید انسانی انسان‌تر از پیش بیافریند.

شرق: «آقای حدادعادل به آقای لاریجانی پیام دادند در راستای وحدت اصولگرایان صلاح نیست من با شما رقابت کنم»؛ اینی پیام مخابره‌شده در مجلس نهم، چه از سر دغدغه واقعی وحدت بوده باشد و چه از سر آگاهی نسبت به نتیجه رقابت، ترسیم‌کننده وضعیتی است که این روزها در جریان اصولگرایی غایب است؛ جریانی که مدت‌های مدیدی است با بحرانی به نام «وحدت» و حب قدرت روبه‌رو شده و در بزنگاه‌ها به سختی و لطایف‌الاحیل موفق به وفاق می‌شود؛ وفاقی که نه استراتژیک، بلکه تاکتیکی است و رقابت‌ها و حرف و سخن‌های بعدی نشان می‌دهد که تا چه اندازه این وحدت درون جریانی شکننده شده است. نمونه آن وضعیتی است که تا اینجا کار، حداقل پنج نفر برای ریاست صندلی بهارستان وارد گود رقابت شده و بعید نیست بر آن افزوده هم بشود.

چه کسی رئیس مجلس را رئیس یک قوه کرد؟

رئیس مجلس شورای اسلامی به وسیله رای مستقیم نمایندگان مجلس شورای اسلامی برای یک دوره یک ساله انتخاب می‌شود و با توجه به آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، تکرار دوره ریاست مجلس منع قانونی ندارد. رئیس مجلس همچنین رئیس هیئت‌رئیس‌ه مجلس نیز هست. رئیس مجلس وظیفه اداره مجلس را بر عهده دارد و در صورت حضورنداشتن وی در جلسه، به ترتیب نایب اول و نایب دوم عهده‌دار این سمت خواهند بود. تا اینجاى کار مشخص است که رئیس مجلس، رئیس یک قوه نیست، بلکه رئیس داخلی و گرداننده مجلس است و شأنی همسو با دیگر نمایندگان راه‌یافته به مجلس دارد؛ اما چه شد و چرا ریاست مجلس تا حد ریاست یک قوه و هم‌تراز با رؤسای جمهوری و قضائیه در اذهان بالا رفت تا جایی که این روزها چنین کشمکشى برای نشستن بر صندلی آن درگرفته است؟ پاسخ را باید در تاریخ جست‌وجو کرد و اینکه چهره‌هایی بر صندلی ریاست مجلس تکیه زدن که به واسطه شان فردی، نقش و اثرگذاری سیاسی‌ای که در زمانه خود در عرصه بازی قدرت داشتند، به این صندلی و جاهتی بیش و پیش از آنچه باید بخشیدند. این شاینت‌بخشی به‌جای اینکه به‌عنوان عاملی عرضى فهمیده شود، به عاملی ذاتی تبدیل شد و از آن زمان به بعد، شان ریاست مجلس فارغ از اینکه چه کسی بر آن تکیه زده باشد، در حد رؤسای دو قوه دیگر بالا رفت. برای همین است‌که این صندلی این روزها می‌تواند برای برخی نقش دوپینگ سیاسی را بازی کند.

اما ماجرا از چه زمانی شروع شد؟ از همان مجلس نخست که هاشمی‌رفسنجانی بر صندلی ریاست تکیه زد، شان ریاست پارلمان به میزان ریاست یک قوه بالا رفت. خاطرات هاشمی‌رفسنجانی به‌خوبی گواه چنین نقشی است؛ از میزان مراجعه‌های به او برای تعیین تکلیف‌ها تا حضورش در فرایندهای تصمیم‌ساز رسمی و غیررسمی، فراتر از یک شخصیت حقوقی. از سوی دیگر، رابطه نزدیک هاشمی‌فسنجانی با امام و سیداحمد و همچنین جانشینی فرمانده‌کل قوا، برای هاشمی امکان مانوری فراتر از یک رئیس مجلس در عرصه قدرت سیاسی و اجرایی فراهم می‌کرد؛ امکانی گاه فراتر از ریاست‌جمهوری و نخست‌وزیری. برای مثال، در ماجرای مک‌فارلین و ورود هیئت آمریکایی به تهران، این هاشمی‌رفسنجانی بود که از سوی مشاور امنیتی میرحسین در جریان چندوچون آن قرار می‌گیرد و سکنان ماجرا تا آخر در دست هاشمی باقی می‌ماند. زمانی هم که قرار می‌شود در نماز جمعه ماجرا به اطلاع مردم برسد، امام این وظیفه را بر عهده هاشمی می‌گذارد. در مجلس خیرگان رهبری بعد از فوت امام خمینی هم با اینکه رئیس مجلس آیت‌الله مشکینی است، این هاشمی‌رفسنجانی است که شان حقیقی هاشمی بود که جایگاه رئیس مجلس را فراتر از جایگاه قانونی - حقوقی برد و این تصور و توقع را ایجاد کرد که این صندلی، ذاتاً چنین جایگاهی دارد. این نقش تأثیرگذار رئیس مجلس به واسطه شخصیت حقیقی فرد و نه حقوقی‌اش، در هیچ‌یک از رؤسای مجلس بعدی مشاهده نمی‌شود؛ حتی ناطق نوری و مهدی کروبی نیز وجاهت شخصیت حقیقی‌شان بر شان حقوقی آنها در مسند ریاست بر مجلس اولی بود؛ اما اثرگذاری آنها در معادلات سیاسی در دوره ریاستشان بر مجلس، کمتر از دوره قبلی بوده است. علی لاریجانی

سند کمبانی موقور سیکلت سر بر CG125

رنگ قرمز آلبالویی مدل ۱۳۸۹

به شماره موتورCG125NBJA3063575

و شماره شاسی 125B8958945***NBJ

مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

پروانه تاکسی به شماره پلاک

۲۲ ۱۹۵ ت ۲۵

بنام علی فلاحی مفقود گردیده

و فاقد اعتبار می باشد

سیاست

صندلی مجلس، دوپینگ سیاسی اصولگرایان

چرا رئیس مجلس بودن مهم شد؟



دوره‌ها	جناح سیاسی	حزب‌سیاسی	آغاز تصدی	پایان تصدی	نام
دوره اول		جمهوری اسلامی	۲۹ تیر ۱۳۵۹	۲۴ مرداد ۱۳۶۸	اکبر هاشمی‌رفسنجانی
دوره دوم					
دوره سوم	جناح راست	روحانیت مبارز			
جناح چپ	روحانیون مبارز		۲۵ مرداد ۱۳۶۸	۶ خرداد ۱۳۷۱	مهدی کروبی
دوره چهارم	جناح راست	روحانیت مبارز	۱۲ خرداد ۱۳۷۱	۶ خرداد ۱۳۷۹	علی‌اکبر ناطق نوری
دوره پنجم					
دوره ششم	جناح اصلاح‌طلبان	روحانیون مبارز	۲۲ خرداد ۱۳۷۹	۶ خرداد ۱۳۸۳	مهدی کروبی
دوره هفتم			۱۷ خرداد ۱۳۸۳	۶ خرداد ۱۳۸۷	غلامعلی حداد‌عادل
دوره هشتم					
دوره نهم	جناح اصولگرایان		۱۲ خرداد ۱۳۸۷	در حال تصدی	علی‌لاریجانی
دوره دهم					

نمایانندهای مجلس شورای اسلامی در سالن مجلس

رئیس شود، بسیج کرد. در انتخابات ریاست موقت مجلس، فاصله آرای ایشان و من بسیار کم بود، شاید ۱۰ تا ۱۵ رای من بیشتر آورد. در انتخابات دائمی رئیس مجلس هم ایشان کاندیدا شد. کارگزاران و جریان‌های طرف‌دار ایشان خیلی تلاش کردند تا رای بیاورد، ولی این بار، فاصله آرای من با ایشان بیشتر شد. سپس به عنوان وزیر در دولت آقای خاتمی، معرفی شد و رای آورد.

رقابت‌های طبیعی

اولین رئیس مجلس نظام جمهوری اسلامی ایران که ۷ خرداد ۱۳۵۹ بر این کرسی تکیه زد، اکبر هاشمی‌رفسنجانی بود. با توجه به سوابق انقلابی و نزدیکی به امام(ره) و شناختی که نمایندگان مجلس اول از او داشتند و همچنین عضویت در شورای انقلاب به عنوان اولین رئیس مجلس بعد از انقلاب انتخاب شد. او در آن انتخابات، نفر اول تهران هم بود. هاشمی برای ریاست آن مجلس، ۱۹۶ رای آورد و جدی‌ترین رقیبش ۱۴۶ رای حسن حبیبی بود. بازگان در مجلس اول تنها ۱۲ رای برای صندلی ریاست کسب کرد. هاشمی برای ریاست بر مجلس دوم و سوم هم رقیبی نداشت. گرچه نهایتاً هاشمی در خرداد ۱۳۶۸ پس از یک سال ریاست بر مجلس سوم به دلیل انتخاب‌شدن به عنوان رئیس جمهور، جای خود را به مهدی کروبی داد. مهدی کروبی هم از مبارزان انقلابی و روحانیون حزبی شناخته شده بود که در ادوار اول و دوم مجلس سابقه نمایندگی پارلمان را داشت و هم‌زمان رئیس بنیاد شهید نیز بود و با توجه به اینکه یکی از لیدرهای جناح چپ آن زمان به حساب می‌آمد، با داشتن سابقه نمایندگی ادوار مجلس و مدیریت یکی از نهادهای انقلابی توانست با فاصله زیاد از دیگر چهره‌های واردشده به مجلس سوم جانشین هاشمی به عنوان رئیس مجلس سوم شود. سسومین نفری که به ریاست مجلس شورای اسلامی رسید باز هم یک روحانی با عمامه سفید و این بار از جناح مقابل کروبی یعنی از جناح راست بود. علی‌اکبر ناطق‌نوری که او هم مثل هاشمی و کروبی سابقه عضویت در جامعه روحانیت مبارز را داشت، مثل دو رئیس قبلی از مجلس اول در پارلمان حاضر بود و علاوه بر آن در دولت اول میرحسین موسوی وزیر کشور بود. در مجلس چهارم هم با وجود اینکه نفر اول انتخابات، سیدعلی‌اکبر موسوی حسینی بود، اما ناطق همچنان از او باسیاستی‌تر و شناخته‌شده‌تر بود پس باز هم او رئیس مجلس شد. مجلس چهارم درواقع اولین مجلسی است که در آن برای رسیدن به ریاست مجلس رقابتی جدی در گرفت. در انتخاب هیئت‌رئیس‌ه در اولین سال فعالیت مجلس چهارم، از یک سو علی‌اکبر ناطق‌نوری به عنوان نماینده جناح اکثریت (جناح راست) و از سوی دیگر نمایندگان طرف‌دار دولت هاشمی، حسن روحانی را به عنوان نامزد ریاست مجلس معرفی کردند. ناطق‌نوری توانست با ۱۹۱ رای به عنوان رئیس انتخاب شود. ناطق‌نوری همچون مجلس چهارم در مجلس پنجم نیز با یک رقیب رقابت کرد. این‌بار او برای رسیدن به کرسی ریاست مجلس پنجم با عبدالله نوری نامزد جناح اقلیت (کارگزاران) به رقابت پرداخت. ناطق‌نوری در خاطرات خود در مورد این رقابت می‌نویسد: «وقتی آقای شیخ عبدالله نوری، قبل از وزیرشدن وارد مجلس پنجم شد، جناح اقلیت همه نیروهایش را برای اینکه ایشان

جدی روبه‌رو شود. حضور این دو باعث شد اصولگرایان به این نتیجه برسند که قبل از تشکیل اولین جلسه مجلس، در فراکسیونی با حضور اکثریت نمایندگان اصولگرا از بین دبیر سابق شورای عالی امنیت ملی و رئیس دوره هفتم مجلس شورای اسلامی، یک نفر را به‌عنوان رئیس انتخاب کنند. آنها تصمیم گرفته بودند هرکسی در این جلسه رای آورد، به‌عنوان رئیس قطعی در انتخابات ریاست نامزد شود. در این جلسه لاریجانی ۱۶۱ رای آورد و حداد ۵۰ رای را به خود اختصاص داد. فاصله بسیار زیاد بود و به این ترتیب حدادعادل تنها رئیس مجلسی شد که یک دوره بر کرسی ریاست پارلمان تکیه زده است.

سال ۸۹، غلامعلی حدادعادل، رئیس کمسیون فرهنگی مجلس هشتم و رئیس مجلس هفتم، در جمع خبرنگاران گفت برنامه‌ای برای کاندیداتوری ریاست مجلس ندارد. این اظهارنظر حدادعادل در پی آن بود که برخی نمایندگان حامی دولت، بحث کنارگذاشتن علی لاریجانی از ریاست مجلس با حداقل برکناری او از ریاست فراکسیون اصولگرایان را مزمه‌هه کردند. ریاست توأمان علی لاریجانی بر مجلس و فراکسیون اصولگرایان مجلس، به‌هیچ‌وجه مورد رضایت نمایندگان فراکسیون انقلاب اسلامی نبود؛ یعنی فراکسیونی که محل تجمع نمایندگان حامی احمدی‌نژاد بود؛ آنها سال ۸۸ یعنی سال دوم مجلس هشتم نیز تلاش بسیاری کردند تا مانع از ریاست مجدد لاریجانی بر فراکسیون اکثریت مجلس شوند؛ اما تلاش‌های آنها منجر به نتیجه دلخواه نشد.

این طیف از نمایندگان مجلس ابتدا سعی کردند حدادعادل را مجاب به رقابت با لاریجانی کنند؛ اما با نپذیرفتن حدادعادل، این مرتضی آقا‌نهرانی بود که عزم رقابت با لاریجانی کرد و در نهایت با اخذ آرای اندک توانست جایگزین رئیس مجلس در ریاست فراکسیون اصولگرایان شود. آقا‌نهرانی، دبیر کل فعلی جبهه پایداری و از گزینه‌های احتمالی ریاست مجلس یازدهم و رقیب قایلیاف، آن سال‌ها در توصیه‌ای به لاریجانی گفته بود: «از میان ریاست مجلس و ریاست فراکسیون اصولگرایان یکی را انتخاب کن».

رقابت لاریجانی و حدادعادل بر سر ریاست مجلس نهم، در واقع ادامه رقابت جبهه متحد اصولگرایان و جبهه پایداری بر سر تقوق در فضای سیاسی کشور بود؛ اما این رقابت با مجلس هشتم یک تفاوت بزرگ داشت و آن‌هم اینکه این‌بار دو رقیب، رقابت را به صحن علنی مجلس کشاندند. لاریجانی به‌عنوان رئیس فراکسیون رهروان ولایت و حدادعادل به‌عنوان رئیس فراکسیون اصولگرایان در صحن علنی مجلس نهم هم بر سر کرسی ریاست موقت و هم ریاست دائم با هم به رقابت پرداختند. انتخابات هیئت‌رئیس‌ه مجلس نهم در اولین سال رقابت چندان برای لاریجانی آرام و سهل نبود، تخریب‌ها و جوسازی‌های شکل‌گرفته علیه او که گاهی او را ردیف سناکتین فتنه قرار می‌داد و نزدیک شدن پایداری‌های مجلس و نواصب‌گرایان اینتر‌گرایانی و رهیوایی به هم، رسیدن به کرسی ریاست مجلس را برای او دشوار کرده بود؛ اما لاریجانی در اولین گام از حضورش فراکسیون رهروان ولایت را با همراهی تعداد زیادی از نمایندگان تشکیل داد تا این بار تشکیلاتی محکم حفظ قدرت آن را به پیشگاهت شایسته می‌کند. با بودن الگوهای مانند کره‌جنوبی و کره‌شمالی یا در زمانی که هنوز آلمان وحدت نیافته بود، تفاوت‌های اقتصادی و اجتماعی دو بخش آن کشور کافی به نظر می‌رسد که نسل‌های آینده ناچار به پیگیری آن شیوه‌های مرگبار، ویرانگر و خشن نشوند.

این کشاکش در هر دو دوره مجلس هشتم و نهم، هر سال حتی به‌صورت ضمنی و در فضای رسانه‌ای در موعد انتخاب هیئت‌رئیس‌ه به نحوی تکرار می‌شد. حامیان حدادعادل و فراکسیون اصولگرایان بی‌تامل به انتخاب مجدد حدادعادل نبودند، تاجایی‌که در سال آخر مجلس نهم، سایت نزدیک به غلامعلی حدادعادل به حامیان علی لاریجانی هشدار داد که: «چندی است رسانه‌های حامی رئیس مجلس، خط خبری واحدی را کلید زده‌اند که گویی رقابتی سنسگین میان علی لاریجانی و غلامعلی حدادعادل برای تکیه بر کرسی ریاست مجلس در گرفته است… این سؤال به‌طور جدی مطرح است که رقابت در دو سال پایانی عمر مجلس با فردی که شش سال گذشته را در کسوت ریاست بهارستان به سر برده، چه دستاورد خاصی را می‌تواند برای ادیب سیاست‌مدار به‌همراه داشته باشد؟ به نظر می‌رسد نه‌تنها وجود چنین رقابتی اساساً توهمی بیش نباشد، بلکه در واقع می‌توان از نوع آرایش رسانه‌ای صورت‌گرفته به این نتیجه رسید که هواداران لاریجانی و حتی شاید خود او بیش از هر چیز نگران ادامه حضورش بر صدر کرسی‌های بهارستان هستند».

دبیرکل

رخ‌دیگریک واگذاری تاریخی

● نیما نامداری: ... شستا یک هلدینگ سرمایه‌گذاری است، یعنی شرکت اصلی فعالیت عملیاتی چندانی ندارد و از طریق سهامداری و سرمایه‌گذاری در شرکت‌های زیرمجموعه و ارتقای سود شرکت‌های تابعه کسب سود می‌کند. این شرکت در یک ساختار چهارلایه در حدود ۱۹۰ شرکت مالکیت دارد… اولین نکته نگران‌کننده، وضعیت درآمدهای شستا است… ۹۸ درصد درآمد نشان داده‌شده در انتهای سال ۹۸ از محل عرضه سهام شرکت‌های زیرمجموعه در بورس و فروش دارایی ایجاد شده است نه از محل سود عملیاتی شرکت‌های تابعه… طبیعی است این شکل از سودسازی پایداری ندارد و صرفاً به درد ایجاد هیجان در هنگام عرضه اول می‌خورد. البته این کار ایراد دیگری هم دارد. ... نکته نگران‌کننده دیگر را می‌توان در پرتفوی شستا دید که در ابتدای تابستان ۹۸ در حدود ۲۳ هزار میلیارد تومان بوده که در انتهای سال ۹۸ به ۹۸ هزار میلیارد تومان افزایش پیدا کرده است… این در حالی است که بهای تمام‌شده سرمایه‌گذاری‌های خارج از بورس شستا در همین مدت از ۲/۸ هزار میلیارد تومان به ۳/۸ هزار میلیارد تومان رسیده است؛ یعنی به وضوح مشخص است که رشد دارایی‌های گروه شستا ناشی از رشد زیاد بورس تهران بوده نه رشد و کارآیی عملیاتی شرکت‌های زیرمجموعه… این نگرانی وقتی بیشتر می‌شود که بدانیم هیچ‌کدام از این واگذاری‌ها با تغییر مدیریت همراه نیستند و دولت و نهادهای عمومی کامکان کنترل اکثریت سهام این شرکت‌ها را در کنترل دارند… اگر کل شستا را هم بفروشند تأثیر مهمی بر وضعیت تأمین اجتماعی نخواهد شد. به‌خصوص در سال ۹۹ که کرونا موجب افزایش تقاضای بیمه درمانی و بیمه بیکاری خواهد شد، وضعیت بیمه‌ها بحرانی‌تر هم می‌شود…

اعتراض

سالگردکشتاروین

● **فریدون مجلسی:** ... چشم من پس از مد‌تا به عکس یک دوست خور. دوستی که در شور جوانی در کنار او در دانشکده حقوق در کمته دانشجویان عضو جبهه ملی فعالیت می‌کردم. او سوسیالیست بود و دم از مارکسیسم می‌زد، درحالی‌که سقف عقیده سیاسی من با وجود خام‌اندیشی‌های جوانی از سوسیال‌دموکراسی تجاوز نمی‌کرد، باین‌حال بسیار دوست بودیم. او معرف من بود و وقتی به اتفاق برای انتخاباتی به دفتر جبهه ملی رفیم، بنا به ملاحظات، شاد چون او معرف بود، مرا نپذیرفتند. از آن روز من فعالیت سیاسی را کنار گذاشتم و به دوستی با او ادامه دادم. بعدها او را هم به دلیل عقاید مارکسیستی از جبهه ملی کنار گذاشتند. از آن پس دیگر خبری از او نداشتم. وقتی اخبار دستگیری او منتشر شد، دانستم که همراه با بیزن جزئی و دیگران سازمان چریکی فدائیان خلق را تشکیل داده بودند… دلایل پیوستن این‌گونه جوانان فرهیخته به چنین فعالیت‌های میدانی خطیری را در آن مقطع زمانی از دو جهات می‌توان بررسی کرد؛ یکی دلایل و موجبات داخلی بود و دیگری دلایل و موجبات خارجی. سابقه دلایل داخلی به جنگ جهانی دوم بازمی‌گردد، ... با این تخیل که روزی همچون فیدل کاسترو پیروزمنده‌ان از جنگل قدم به شهر گذارند. توهمی که گریبان شخص چه‌گوارا را نیز گرفت و او را روان پیروزی دومی کرد که به ناکامی و مرگش انجامید. مساله از دید نگارنده این است که متأسفانه این‌گونه رهبران چریکی پس از پیروزی به ضرب گلوله خودشان به خودکامیانی ابدمت تبدیل می‌شوند که کردارشان پس از پیروزی با گفتارشان پیش از پیروزی متفاوت است و مقتضیات حفظ قدرت آن را به پیشگاهت شایسته می‌کند. با بودن الگوهای مانند کره‌جنوبی و کره‌شمالی یا در زمانی که هنوز آلمان وحدت نیافته بود، تفاوت‌های اقتصادی و اجتماعی دو بخش آن کشور کافی به نظر می‌رسد که نسل‌های آینده ناچار به پیگیری آن شیوه‌های مرگبار، ویرانگر و خشن نشوند.

کشتار

یک چشم‌تربینداری

● **حسین شرعینمداری:** ۱...- مدعیان اصلاحات با همه توان و چند لیست انتخاباتی به میدان آمده بودند ولی نامزدی که نفر اول چند لیست مدعیان اصلاحات و کارگزارانی‌ها و گروه تدبیر و امید بود به‌اندازه یک‌دهم آخرین نفر لیست انقلابیون رای آورد بود. ۲- نگاهی به فهرست پیروز در انتخابات مجلس یازدهم و مقایسه آن با فهرست مدعیان اصلاحات به وضوح نشان می‌دهد که تقریباً همه افراد حاضر در فهرست انقلابیون از تحصیلات کلاسیک بالا و برجسته‌ای برخوردارند و بسیاری از آنان کارنامه درخشانی در خدمت صادقانه و مؤثر به مردم و نظام دارند و در مقابل فهرست مدعیان اصلاحات - باز هم تقریباً- از این امتیاز برخوردار نبوده و مخصوصاً فاقد کارنامه قابل‌قبول بودند. ۳- مدعیان اصلاحات که اکثریت مجلس دهم را در اختیار داشتند به سختی می‌توانند روی نمونه‌ای از تعهد خویش نسبت به وظایف تعریف‌شده نمایندگی انگشت بگذارند. ۴- رصلاحیت نزدیک به ۸۰ تن از نمایندگان مجلس دهم برای حضور در مجلس یازدهم به علت فساد اقتصادی بوده است!۵- اکنون باید از کسانی که به عهده‌گشایی علیه مجلس یازدهم که هنوز تشکیل نشده‌اند مشغولند پرسید با تکیه بر کدام شایستگی برتر خود، علیه مجلس یازدهم شمشیر کشیده‌اند؟!